

China's Hegemonizing Policy and Its Characterization in Africa; Measures and Countermeasures

Ali Akbar Khandan¹  & Mokhtar Salehi²  & Ali Akbar Jafari³ 

DOI: [10.48308/piaj.2026.241407.1758](https://doi.org/10.48308/piaj.2026.241407.1758) Received: 2025/9/4 Accepted: 2025/12/25

Original Article

Extended Abstract

Introduction: The discourse regarding China's position within the contemporary international system remains a pivotal concern for foreign policy analysts. This article addresses a central inquiry: How does China conceptualize the hegemonization of its global standing, and what strategic role does Africa occupy in this trajectory? The primary objective of this research is to provide a critical analysis of China-Africa relations that transcends purely economic or geopolitical dimensions, focusing instead on how Chinese hegemony on the continent is constructed, maintained, and contested. The research hypothesis posits that China seeks to establish a dominant position through a dual mechanism of "consent" and "coercion," which is increasingly met by the active agency of African actors. This process, framed within Antonio Gramsci's concept of a "war of position," renders the relationship dynamic and perpetually negotiated. By applying Gramscian hegemonic theory, this study examines the latent layers of power, intellectual and cultural leadership, and the influence over civil society to offer a more profound understanding of China's burgeoning presence.

Methods: This study adopts a qualitative, analytical approach, utilizing thematic analysis to identify and interpret salient patterns. Data were synthesized from library resources, scholarly documents, official reports, and relevant primary texts. The analytical process followed several rigorous stages: data familiarization, initial code generation, thematic mapping, and the refinement and definition of themes. The theoretical framework is anchored in Gramscian concepts, including hegemony, consent and coercion, organic ideol-

1. PhD candidate of international relations, Faculty of law and politics, University of Mazandaran, Babolsar, Mazandaran, Iran. aliakbar.khandan@gmail.com

2. Assistant Professor of international relations, Faculty of law and politics, University of Mazandaran, Babolsar, Mazandaran, Iran (Corresponding Author). mo.salehi@umz.ac.ir

3. Professor of international relations, Faculty of law and politics, University of Mazandaran, Babolsar, Mazandaran, Iran. a.jafari@umz.ac.ir



ogy, organic intellectuals, the historic bloc, and the war of position. This study offers an innovative contribution by cohesively applying these specific theories to the analysis of Chinese influence in a contemporary African context.

Results and Discussion: The findings indicate that China's strategy in Africa is a sophisticated synthesis of "consent" and "coercion." This strategy involves massive infrastructure investments (e.g., railways and ports), extensive lending (\$153 billion between 2000 and 2022), and the dissemination of narratives such as "win-win cooperation" and "South-South solidarity" via state-owned media, Confucius Institutes, and the Forum on China-Africa Cooperation (FOCAC). Key instruments include the Belt and Road Initiative (BRI), which fosters economic dependency, and the "Community of Shared Future" for ideological alignment—exemplified by the 2024 FOCAC commitment of \$50 billion for African development by 2035. While these efforts cultivate an organic ideology and align local elites, they are shadowed by concerns over "debt-trap diplomacy" and a pervasive lack of transparency. In response, African agency manifests as a "war of position"—encompassing investigative journalism, civil society activism, labor union movements, academic critique, and Pan-African initiatives like Agenda 2063. African leaders, such as Rwanda's Paul Kagame, engage with China strategically, while civil society focuses on labor rights, environmental impacts, and the long-term risks of structural dependency.

Conclusion: China's hegemony in Africa is not a form of traditional colonial domination but a novel type of hegemony predicated on economic consent, ideological alignment, and structural dependency. This process is far from unilateral; it is a dynamic relationship whose future depends heavily on African agency, global shifts, and China's capacity to sustain consent. While strategic elite engagement has spurred economic growth (with trade reaching \$282 billion in 2023) and prompted shifts toward the "Chinese model" of governance, it has also introduced challenges of inequality and reliance. This analysis underscores that hegemony is a site of constant negotiation; through a "war of position," Africa can redefine its standing in the global order. Future research should prioritize specific country case studies and the role of organic intellectuals to better capture the diverse impacts of and responses to this evolving relationship.

Keywords: Consent and Coercion, China's Cultural Hegemony, Reproduction of Hegemony, Historical Block

Citation: Khandan, Ali Akbar & Salehi, Mokhtar & Jafari, Ali Akbar. 2026. China's Hegemonizing Policy and Its Characterization in Africa; Measures and Countermeasures, *Political and International Approaches*, Spring, Vol 18, No 1, PP 27-48.



سیاست هژمونی سازی چین و بازنمایی آن در آفریقا؛ کنش‌ها و واکنش‌ها

علی اکبر خندان^۱، دکتر مختار صالحی^۲ و دکتر علی اکبر جعفری^۳

DOI: [10.48308/pijaj.2026.241407.1758](https://doi.org/10.48308/pijaj.2026.241407.1758)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۴

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: بحث در خصوص جایگاه چین در ساختار نظام بین‌الملل کنونی، همچنان یکی از مسائل کلیدی برای تحلیلگران سیاست خارجی است. این مقاله به این پرسش اصلی می‌پردازد که چین چگونه به ایجاد و تثبیت هژمونی خود در سطح جهانی می‌اندیشد و آفریقا در این راهبرد چه نقش و جایگاهی دارد؟ هدف اصلی پژوهش، ارائه تحلیلی انتقادی از روابط چین و آفریقا فراتر از ابعاد صرفاً اقتصادی یا ژئوپلیتیکی، با تمرکز بر چگونگی شکل‌گیری، حفظ و به چالش کشیده شدن هژمونی احتمالی چین در این قاره است. فرضیه تحقیق بر این مبناست که نفوذ چین در آفریقا، تلاشی برای ایجاد موقعیت مسلط از طریق سازوکارهای «رضایت» و «اجبار» است که با کنشگری فعالانه بازیگران آفریقایی مواجه می‌شود. این فرآیند که در قالب «جنگ موضعی» گرامشی قابل تحلیل است، روابط را پویا و همواره در معرض مذاکره قرار می‌دهد. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی، به بررسی لایه‌های پنهان قدرت، رهبری فکری و فرهنگی و کنترل جامعه مدنی می‌پردازد تا درکی عمیق‌تر از پدیده نفوذ روزافزون چین ارائه دهد.

روش: تحقیق حاضر کیفی و از نوع تحلیلی است و از روش تحلیل مضمون برای شناسایی الگوهای کلیدی بهره می‌برد. داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، اسناد علمی، گزارش‌های رسمی و متون مرتبط گردآوری شده‌اند. فرآیند تحلیل شامل مراحل آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضامین، بازبینی و تعریف مضامین، و در نهایت، تهیه گزارش نهایی است. چارچوب نظری بر مفاهیم گرامشی مانند هژمونی، رضایت و اجبار، ایدئولوژی ارگانیک، روشنفکران ارگانیک، بلوک تاریخی و جنگ موضعی استوار است. در بخش پیشینه پژوهش، با مرور ادبیات موجود، نوآوری تحقیق در به‌کارگیری یکپارچه نظریه گرامشی برای تحلیل نفوذ چین برجسته می‌شود. ساختار مقاله شامل مبانی نظری، پیشینه، روش‌شناسی، یافته‌ها و نتیجه‌گیری است و برای سازماندهی تحلیل از جدول مضامین استفاده شده است.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران. بابلسر. ایران. aliakbar.khandan@gmail.com

۲. استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران. بابلسر. ایران. (نویسنده مسئول). mo.salehi@umz.ac.ir

۳. استاد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران. بابلسر. ایران. a.jafari@umz.ac.ir



یافته‌ها: استراتژی چین در آفریقا ترکیبی هوشمندانه از «رضایت» و «اجبار» است. این راهبرد شامل سرمایه‌گذاری‌های کلان زیرساختی (مانند راه آهن و بنادر)، ارائه وام‌های گسترده (۱۵۳ میلیارد دلار بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲)، و ترویج گفت‌وگوهای نظیر «همکاری برد-برد» و «همبستگی جنوب-جنوب» از طریق رسانه‌های دولتی، مؤسسات کنفوسیوس و مجمع همکاری چین و آفریقا^۱ می‌شود. این استراتژی با ابزارهای خاص مانند ابتکار کمربند و جاده^۲ برای ایجاد وابستگی اقتصادی، و مفاهیمی مانند «جامعه‌ای با آینده مشترک»^۳ برای ترویج ایدئولوژی ارگانیک همراه است. برای مثال در مجمع همکاری چین و آفریقا سال ۲۰۲۴، تعهد ۵۰ میلیارد دلاری چین برای توسعه آفریقا تا ۲۰۳۵، این مفهوم را عملیاتی می‌کند. این اقدامات، ضمن پرورش یک ایدئولوژی ارگانیک و هم‌راستا کردن نخبگان، با نگرانی‌هایی مانند «دیپلماسی تله‌بدهی» و عدم شفافیت همراه است. در مقابل، کنشگری آفریقایی‌ها در قالب یک «جنگ موضعی» - شامل روزنامه‌نگاری تحقیقی، فعالیت‌های جامعه مدنی، اتحادیه‌های کارگری، تحقیقات آکادمیک و ابتکارات پان‌آفریقایی مانند «دستور کار ۲۰۶۳» - هژمونی چین را به چالش می‌کشد. نخبگان آفریقایی (مانند پل کاگامه در رواندا) به طور استراتژیک با چین تعامل می‌کنند، در حالی که جامعه مدنی بر مسائل کاری، زیست‌محیطی و خطر وابستگی تمرکز دارد. این تعاملات، ماهیت پویا و غیریک‌طرفه روابط را آشکار می‌سازد.

نتیجه‌گیری: هژمونی چین در آفریقا نه یک سلطه مستقیم استعماری، بلکه نوعی نوین و مبتنی بر رضایت اقتصادی، همسویی ایدئولوژیک و وابستگی است که با چالش‌های مداوم از سوی بازیگران آفریقایی مواجه می‌شود. برآمد تعامل استراتژیک نخبگان آفریقایی با چین شامل مزایای اقتصادی (مانند رشد تجارت به ۲۸۲ میلیارد دلار در ۲۰۲۳) و تغییرات حکومتی (اتخاذ مدل چینی) است، اما با چالش‌هایی مانند وابستگی و نابرابری روبروست. این فرآیند نشان‌دهنده پویایی روابطی است که آینده آن به شدت به عاملیت آفریقایی‌ها، تحولات جهانی و توانایی چین در حفظ رضایت وابسته است. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده بر مطالعات موردی کشورهای خاص و نقش روشنفکران ارگانیک متمرکز شوند تا تنوع تأثیرات و پاسخ‌ها بهتر درک شود. این تحلیل تأکید می‌کند که هژمونی همواره در حال مذاکره است و آفریقا می‌تواند از طریق «جنگ موضعی»، جایگاه خود را در نظم جهانی بازتعریف کند.

واژگان کلیدی: رضایت و اجبار، هژمونی فرهنگی چین، جنگ موضعی، بازتولید هژمونی، بلوک تاریخی.

1. The Forum on China-Africa Cooperation (FOCAC)
2. Belt and Road Initiative (BRI)
3. Community of shared future

استناددهی: خندان، علی اکبر و صالحی، دکتر مختار و جعفری، دکتر علی اکبر. ۱۴۰۵. سیاست هژمونی سازی چین و بازنمایی آن در آفریقا؛ کنش‌ها و واکنش‌ها، بهار، سال ۱۸، شماره ۱، ۲۷-۴۸.



مقدمه

در چند دهه اخیر، گسترش سریع نفوذ سیاسی و اقتصادی چین در قاره آفریقا به یکی از مهم‌ترین پدیده‌های روابط بین‌الملل تبدیل شده است. بسیاری از تحلیل‌ها بر ابعاد اقتصادی این روابط، مانند سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌های زیربنایی متمرکز شده‌اند. با این حال، درک عمیق‌تر این پدیده نیازمند کاوش در لایه‌های پنهان و آشکار قدرت و چگونگی تلاش چین برای ایجاد یک موقعیت راهبرانه و پایدار است. این مقاله به دنبال ارائه یک تحلیل انتقادی از این روابط، فراتر از نگاه‌های صرفاً ژئوپلیتیکی یا اقتصادی است، سوال اصلی این پژوهش، این است که آیا قدرت رو به رشد چین در آفریقا، نشانگر شکل‌گیری نوعی هژمونی است؟ و اگر چنین است، این هژمونی چگونه برقرار، حفظ و به طور بالقوه مورد مناقشه قرار می‌گیرد؟

برای پاسخ، این تحقیق از چارچوب نظری آنتونیو گرامشی بهره می‌برد. از منظر او، هژمونی صرفاً سلطه مبتنی بر زور نیست، بلکه ترکیبی پیچیده از «رضایت» و «اجبار» است که از طریق رهبری فکری، فرهنگی و کنترل نهادهای جامعه مدنی اعمال می‌شود. فرضیه اصلی آن است که نفوذ چین در آفریقا، تلاشی برای ایجاد یک موقعیت مسلط است که از طریق سازوکارهای پیچیده‌ای چون ایجاد وابستگی و رضایت اقتصادی، رهبری گفتمانی و هم‌سوسازی نخبگان دنبال می‌شود. با این حال، این فرآیند یک‌سویه نبوده و به طور مداوم با کنشگری فعالانه از سوی بازیگران دولتی و جامعه مدنی آفریقا مواجه است. این تعاملات و مقاومت‌ها که در قالب یک «جنگ موضعی» تجلی می‌یابد، ماهیت پویای روابط چین و آفریقا را دائماً در حال مذاکره و بازتعریف قرار می‌دهد. از سوی دیگر، حضور کشورهای غربی (یا راهبری آمریکا و نقش آفرینی فرانسه و انگلیس) به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده در مقابل هژمونی چینی عمل کرده و رقابت را در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی تشدید می‌نماید.

برای تبیین این موضوع، مقاله حاضر در چند بخش اصلی سازماندهی شده است. ابتدا، مبانی نظری تحقیق، یعنی مفاهیم کلیدی نظریه هژمونی گرامشی تشریح می‌شود و در ادامه، با مرور ادبیات موجود، ضرورت انجام پژوهش تبیین می‌گردد. سپس، با استفاده از روش تحلیل مضمون، سازوکارهای هژمونی‌سازی چین و همچنین واکنش‌ها و مقاومت‌های آفریقایی در برابر آن، ذیل مضامینی چون «برساختن رضایت»، «هم‌راستاسازی نخبگان»، «جنگ روایت‌ها» و «جنگ موضعی» مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، مقاله با ارائه یک جمع‌بندی به پایان می‌رسد.

۱. پیشینه پژوهش

ادبیات مرتبط با حضور چین در آفریقا گسترده و چندوجهی است. در زمینه سازوکارهای اقتصادی، پژوهشگرانی همچون بروتیگام^۱ (۲۰۰۹، ۲۰۲۰) به تفصیل نقش چین به عنوان یک شریک توسعه و کمک‌دهنده در آفریقا را بررسی کرده و روایت‌های ساده‌انگارانه مانند «دیپلماسی تله‌بدهی» را به چالش کشیده‌اند. با این حال، نگرانی‌ها در مورد شفافیت قراردادهای وام و پتانسیل ایجاد وابستگی اقتصادی و

1. Brautigam

حجم بدهی‌ها همچنان در آثار دیگر، از جمله گزارش‌های گلپرن و همکاران (۲۰۲۱) مطرح است. آلدن، دیویس و تیلور (۲۰۰۶) به جنبه‌های دیپلماتیک و رویکردی حضور چین، از جمله تأکید بر «همکاری برد-برد» و «عدم مداخله» در چارچوب‌هایی مانند مجمع همکاری آفریقا و چین پرداخته‌اند که برای کشورهای آفریقایی جذابیت دارد، آثاری نیز به استفاده چین از ابزارها و قدرت اقتصادی برای گسترش قدرت نرم خود در کشورهای درحال توسعه منجمله کشورهای آفریقایی اشاره دارند که مقاله‌ای با عنوان «جایگاه اقتصاد در سیاست خارجی نرم افزاری چین در مناطق درحال توسعه» نوشته امیری (۲۰۲۴) از آن جمله است. امیری در مقاله اش نشان می‌دهد که رهبران چین می‌خواهند از طریق معرفی فرهنگ چینی تصویری نرم‌تر از خود ارائه نمایند و آن را با اتکاء به ابزارهای اقتصادی پیش می‌برند.

شماو (۲۰۱۵) در حوزه قدرت نرم و نفوذ فرهنگی، نقش موسسات کنفوسیوس را در ترویج زبان و فرهنگ چینی و به تبع آن، ارزش‌های چینی در آفریقا تحلیل کرده و همچنین نیز به ابعاد گسترده‌تر حضور فرهنگی و رسانه‌ای چین در این قاره اشاره دارند. منابعی چون مرکز اروپایی مقابله با تهدیدات هیبریدی^۱ و دیده بان چین (۲۰۲۵) به طور خاص «جنگ روایت‌ها» و تلاش چین برای شکل‌دهی به برداشت‌های جهانی و آفریقایی از نقش خود را مورد بررسی قرار داده‌اند. موضوع کنشگری آفریقایی و واکنش‌ها به حضور چین نیز بخش مهمی از ادبیات را تشکیل می‌دهد. موهان و لمپرت (۲۰۱۳) بر اهمیت در نظر گرفتن عاملیت آفریقا و چگونگی مذاکره و تعامل استراتژیک نخبگان آفریقایی با چین برای کسب منافع توسعه‌ای تأکید دارند.

از سوی دیگر، تحلیل‌های لی^۲ (۲۰۱۷) نگرانی‌های جامعه مدنی آفریقا در مورد شرایط کار، تأثیرات زیست‌محیطی و شفافیت پروژه‌های چینی را برجسته می‌کنند. مفهوم «جنگ موضعی» گرامشی در این زمینه به درک مقاومت‌ها و چالش‌های پیش‌روی هژمونی احتمالی چین کمک می‌کند، که می‌تواند در قالب روزنامه‌نگاری تحقیقی، فعالیت‌های مدنی و ابتکارات پان‌آفریقایی مانند دستورالعمل اتحادیه آفریقا (۲۰۱۵) تجلی یابد.

از آنجایی که جهت‌گیری چین در تنظیم روابطش با کشورهای درحال توسعه، بصورت کلی و کشورهای آفریقایی، به صورت ویژه، متأثر از نوع نگاه این کشور به نظم لیبرال فعلی و حاکم در جهان می‌باشد، اشاره به مقاله‌ای به قلم شفیع و سلیمی (۲۰۲۴) با عنوان «بررسی مقایسه‌ای دیدگاه ایران و چین درباره نظم بین‌المللی لیبرال و تأثیر آن بر روابط دو کشور» که نویسندگان آن به صورت متمرکز به موشکافی جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور پرداخته‌اند نیز مفید فایده بوده است. درست به خاطر این جهت‌گیری‌ها بر خلاف نظام لیبرال جهانی فعلی است که کشورهای غربی به سمت موازنه قدرت چین در آفریقا روی آورده‌اند. در پژوهش‌های اخیر، حضور کشورهای غربی به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده برجسته شده است. در این راستا می‌توان به گزارش منتشر شده توسط «مرکز آفریقایی مطالعات استراتژیک»^۳ در سال ۲۰۲۵ تحت عنوان رقابت‌های نوین در آفریقا که در خصوص رقابت آمریکا-چین در

1. European Centre of Excellence for Countering Hybrid Threats

2. Lee

3. Africa Center for Strategic studies

معادن کنگو است و همچنین گزارش اتاق فکر چاتم هاوس در سال ۲۰۲۳ در مورد مقایسه مدل‌های وام دهی غربی‌ها با چین اشاره نمود.

این مقاله با استفاده از مفاهیم گرامشی مانند «بلوک تاریخی»، «روشنفکران ارگانیک»، «جنگ موضعی» و «هژمونی»، به تحلیل تلاش چین برای ایجاد نفوذ در آفریقا و واکنش‌های مقاومتی آفریقایی‌ها می‌پردازد. این پژوهش با تمرکز بر سازوکارهای ترکیبی هژمونی، ابعاد مادی و غیرمادی نفوذ چین و درهم‌تنیدگی آن‌ها را بررسی کرده و با تحلیل کنشگری آفریقایی‌ها از منظر جنگ موضعی، پویایی‌های این فرآیند را نشان می‌دهد. در نهایت، با تحلیل مضمون داده‌ها، چارچوبی روشن برای درک ابعاد مختلف سیاست هژمونی‌سازی چین در آفریقا ارائه می‌کند.

۲. چارچوب نظری: هژمونی گرامشی

آنتونیو گرامشی، هژمونی را نه صرفاً به عنوان سلطه از طریق زور، بلکه به عنوان شکلی فراگیرتر از کنترل مفهوم‌پردازی کرد که از طریق رهبری فکری، اخلاقی و فرهنگی حاصل می‌شود. در این چارچوب، جهان‌بینی گروه مسلط به «دریافت مشترک» یا ایدئولوژی غالب تبدیل می‌شود که اغلب از طریق رضایت «خودجوش» حکومت‌شوندگان پذیرفته می‌شود (Gramsci, 1971: 630). این رضایت با همسو کردن منافع گروه مسلط با منافع گروه‌های زیردست پرورش می‌یابد که اغلب از طریق صورت‌بندی یک «ایدئولوژی ارگانیک»^۱ که با آگاهی عمومی طنین‌انداز می‌شود، قابل تشخیص است (Gramsci, 1971: 135). در حقیقت؛ گرامشی معتقد بود که قدرت و سلطه یک گروه یا طبقه تنها با زور و اجبار نظامی یا اقتصادی به دست نمی‌آید و پایدار نمی‌ماند، بلکه مهم‌تر از آن، توانایی رهبری فکری، اخلاقی و فرهنگی جامعه است.

گروه مسلط با ترویج ایده‌ها و ارزش‌های خود به عنوان «وضعیت طبیعی امور»، رضایت گروه‌های فرودست را جلب می‌کند. این هژمونی، که فراتر از سلطه فیزیکی است، از طریق همسو کردن منافع و ایجاد «ایدئولوژی ارگانیک» مبتنی بر واقعیت‌های جامعه محقق می‌شود. چین با سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، توسعه تجارت و اعطای وام در آفریقا، این تعاملات را در قالب روایت «همکاری برد-برد» و «همبستگی جنوب-جنوب» ارائه می‌دهد که بخشی از تلاش برای ساخت همان ایدئولوژی ارگانیک گرامشی است.

همچنین فعالیت‌های رسانه‌های دولتی مانند کانال آفریقای تلویزیون بین‌المللی چین و خبرگزاری رسمی جمهوری خلق چین، بسترهای فرهنگی مانند موسسات کنفوسیوس و تعاملات دیپلماتیک سطح بالا مانند مجمع همکاری چینی و آفریقایی را می‌توان به عنوان تلاشی برای ساخت چنین ایدئولوژی ارگانیکی تلقی کرد. برای مثال، در نشست‌های سران مجمع همکاری چینی-آفریقایی، رهبران چین به طور مداوم بر اهداف مشترک توسعه‌ای و مشارکتی مبتنی بر برابری تأکید می‌کنند و این را در تضاد با رویکردهای تاریخی غرب قرار می‌دهند (Alden & Davies, 2006: 83). پکن خود را به عنوان یک شریک توسعه جایگزین معرفی می‌کند، شریکی که ظاهراً به حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی احترام می‌گذارد، جذابیتی که به ویژه برای ملت‌های آفریقایی که از لحاظ تاریخی نسبت به استعمار و استعمار نو حساسیت دارند، ملموس‌تر است (Taylor, 2006: 40).

۲-۱. روش شناسی: تحلیل مضمون

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل مضمون^۱ است. تحلیل مضمون یک روش کیفی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای (مضامین) موجود در داده‌های کیفی است. در این تحقیق، داده‌ها شامل تحلیل محتوای منابع علمی، گزارش‌های تحقیقی، مقالات و اسناد مرتبط با روابط چین و آفریقا، و همچنین چارچوب نظری هژمونی گرامشی است. این رویکرد امکان بررسی عمیق و چندوجهی سازوکارهای نفوذ چین در آفریقا، چگونگی تلاش برای کسب رضایت و اعمال فشار و همچنین واکنش‌ها و مقاومت‌های موجود در برابر این نفوذ را از منظر تئوری هژمونی گرامشی فراهم می‌آورد. در این پژوهش، فرآیند تحلیل مضمون در قالب جدول ذیل به بحث گذاشته می‌شود.

شماره مضمون	عنوان مضمون اصلی	شماره زیر مضمون	عنوان زیر مضمون	توضیحات اصلی
	مفهوم‌پردازی هژمونی از منظر گرامشی	-	-	<ul style="list-style-type: none"> - وابستگی ایجاد هژمونی به رهبری فکری، اخلاقی و فرهنگی به عنوان شکلی فراگیرتر از کنترل. - عدم پایداری قدرت و سلطه یک گروه تنها با اتکاء به زور و اجبار نظامی یا اقتصادی - تبدیل جهان‌بینی گروه مسلط به «دریافت مشترک» یا ایدئولوژی غالب. - ارزیابی نفوذ فزاینده چین به عنوان مصداق «هژمونی» مطابق دیدگاه گرامشی

<p>- سرمایه‌گذاری کلان چین در زیرساخت‌های آفریقا (راه آهن، بنادر، جاده‌ها).</p> <p>- ارائه وام‌های گسترده (۱۵۳ میلیارد دلار بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۲۲).</p> <p>- ترویج "مدل چین" به عنوان جایگزینی برای "اجماع واشنگتن".</p>	<p>درهم‌تیدگی اقتصادی و ایجاد رضایت</p>	<p>۲-۱</p>	<p>سازوکارهای چین برای بر ساختن هژمونی در آفریقا</p>
<p>- رویکرد «همکاری برد-برد»، «منفعت متقابل» و «همبستگی جنوب-جنوب».</p> <p>- ترویج رویکرد از طریق رسانه‌های دولتی، موسسات کنفوسیوس و تعاملات دیپلماتیک.</p> <p>- بیش از ۶۰ موسسه کنفوسیوس در بیش از ۴۰ کشور آفریقایی.</p> <p>- ارائه هزاران بورسیه تحصیلی و گسترش فعالیت‌های رسانه‌ای.</p>	<p>قدرت نرم و رهبری ایدئولوژیک از طریق رویکرد و فرهنگ</p>	<p>۲-۲</p>	<p>سازوکارهای چین برای بر ساختن هژمونی در آفریقا</p>
<p>- اولویت روابط دولت با دولت و تعامل با نخبگان حاکم</p> <p>- حمایت سیاسی و اقتصادی بدون -مشروطیت‌های حقوق بشری یا حکمرانی</p> <p>- تقویت رژیم‌های حاکم و مدل‌های حکمرانی دولت‌محور</p>	<p>هم‌راستاسازی نخبگان و تعامل در سطح دولتی</p>	<p>۲-۳</p>	<p>سازوکارهای چین برای بر ساختن هژمونی در آفریقا</p>
<p>- شکل دهی فعالانه به درک جهانی و آفریقایی از نقش خود.</p> <p>- ترویج روایت‌های مثبت و مقابله با انتقادات غرب.</p> <p>- تأکید بر احترام متقابل و عدم مداخله.</p> <p>- به چالش کشیدن روایت غالب غرب.</p>	<p>جنگ روایت‌ها و تلاش برای پاد-هژمونی</p>	<p>۲-۴</p>	<p>سازوکارهای چین برای بر ساختن هژمونی در آفریقا</p>
<p>- نگرانی از «دیپلماسی تله بدهی»</p> <p>- اهرم فشار بالقوه از طریق بدهی (حدود ۱۲٪ از بدهی خارجی عمومی آفریقا)</p> <p>- عدم شفافیت برخی قراردادهای وام</p> <p>- ترکیبی از سازوکارهای رضایت‌سازی و اشکال ظریف‌تر اهرم فشار</p>	<p>اجبار ظریف و دیپلماسی بدهی</p>	<p>۲-۵</p>	<p>سازوکارهای چین برای بر ساختن هژمونی در آفریقا</p>

<ul style="list-style-type: none"> - تعامل استراتژیک نخبگان آفریقایی با چین برای حداکثرسازی دستاوردهای توسعه‌ای. - تفاوت در میزان تأثیرپذیری نخبگان در کشورهای مختلف. - مثال پل کاگامه از رواندا: جذب سرمایه گذاری چین با حفظ استقلال در سیاست گذاری 	<p>نقش نخبگان حاکم آفریقایی</p>	<p>۳-۱</p>	<p>کنشگری آفریقایی و واکنش به نفوذ چین</p>
<ul style="list-style-type: none"> - پاسخ پیچیده و نقادانه جامعه مدنی به سرمایه گذاری چین. - نگرانی‌ها درباره شیوه‌های کاری، تخریب محیط زیست و عدم شفافیت. - واکنش متنوع روشنفکران آفریقایی. 	<p>نقش جامعه مدنی و روشنفکران آفریقایی</p>	<p>۳-۲</p>	<p>کنشگری آفریقایی و واکنش به نفوذ چین</p>
<ul style="list-style-type: none"> - هژمونی هرگز کامل و بدون چالش نیست - مقاومت به شکل مبارزه‌ای طولانی در داخل جامعه مدنی. - روزنامه‌نگاری تحقیقی، حمایت‌گری اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های زیست‌محیطی. - تحقیقات آکادمیک و ابتکارات پان‌آفریقایی 	<p>-</p>	<p>-</p>	<p>به چالش کشیدن هژمونی چین از طریق "جنگ موضعی"</p>
<ul style="list-style-type: none"> - هژمونی نوین به جای استعمار سنتی. - جذابیت رویکرد چینی برای بسیاری در آفریقا. - چالش‌ها: عاملیت آفریقایی‌ها، صداهای نقاد و پیچیدگی‌های وابستگی. - آینده نامشخص و وابسته به عوامل متعدد. 	<p>-</p>	<p>-</p>	<p>ماهیت و آینده هژمونی چین در آفریقا</p>

۳. روابط چین و آفریقا و سازوکارهای هژمونی سازی

در تطابق با نظریه گرامشی، به وضوح می‌توان تشخیص داد که نفوذ چین در آفریقا از طریق ترکیبی پیچیده از سازوکارهای رضایت‌سازی و اشکال ظریف‌تر اهرم فشار که می‌توانند به مرزهای اجبار نزدیک شوند، صورت می‌گیرد که می‌توان آن‌ها را ذیل دو مقوله به شرح ذیل بیان کرد. فعالیت‌های چین در آفریقا شامل سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زیرساخت‌ها، افزایش تجارت و ارائه وام‌های کلان است. این اقدامات در چارچوب روایتی از «همکاری برد-برد»، «منفعت متقابل» و «همبستگی جنوب-جنوب» ارائه می‌شود. ترویج این روایت‌ها از طریق رسانه‌های دولتی چین مانند کانال آفریقای شبکه تلویزیونی جهانی

چین^۱ و خبرگزاری شینهوا^۲، موسسات کنفوسیوس و مجامع دیپلماتیک مانند مجمع همکاری چینی-آفریقایی ترویج می‌شود. برخی پژوهشگران به تاکید رهبران چین بر اهداف مشترک توسعه‌ای و مشارکتی مبتنی بر برابری در نشست‌های مجمع همکاری چینی-آفریقایی اشاره کرده‌اند که در تضاد با رویکردهای تاریخی غرب قرار می‌گیرد (Alden & Davies, 2006: 83-96).

چین خود را به عنوان شریکی که به حاکمیت ملی و عدم مداخله احترام می‌گذارد، معرفی می‌کند که برای کشورهای آفریقایی جذاب است (Taylor, 2006: 13). مطابق ادعای پایگاه اینترنتی تحلیلی-خبری دیده بان روابط چینی-آفریقایی؛ گسترش موسسات کنفوسیوس نیز به عنوان تلاشی برای انتشار ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی چینی و ساخت یک نظم پاد-هژمونیک تلقی شده است. در همین راستا؛ شناخت تنوع فرهنگی آفریقا توسط چین را می‌توان به مثابه کلید موفقیت نفوذ نرم این کشور دانست. برای مثال، مؤسسات کنفوسیوس چین با محتوای محلی مانند دوبله فیلم‌های چینی به زبان سواحیلی برای پخش در کنیا و رسانه‌هایی مانند استار تایمز^۳ در جلب اعتماد عمومی آفریقایی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (Deutsche Welle, 2025, sep 27)

۳-۱. رضایت و اجبار، فشار ضمنی

در این بخش ابزارهای مورد استفاده توسط چین در روابطش با کشورهای آفریقایی برای ایجاد رضایت و فشار ضمنی که از آن‌ها به صورت هم‌زمان استفاده می‌کند اشاره می‌شود. در این زمینه، چین می‌کوشد با ترکیب ابزارهای اقتصادی (قدرت سخت) و دیپلماسی عمومی و فرهنگی (قدرت نرم) بر دولت‌های آفریقایی اثرگذاری ایجاد کند که برخی از پژوهشگران قدرت حاصل از ترکیب این ابزارها را به عنوان «قدرت هوشمند»^۴ نیز نام برده‌اند (سازمند و درستکار، ۱۴۰۱: ۱۶۵-۱۹۳)

۳-۲. درهم‌تنیدگی اقتصادی و رضایت

چین پول و منابع عظیمی را صرف ساخت پروژه‌های بزرگ زیربنایی در آفریقا می‌کند؛ مثل راه‌آهن‌های مهم، جاده‌ها و سدها. این پروژه‌ها برای کشورهای آفریقایی که نیازهای توسعه‌ای زیادی دارند، بسیار حیاتی هستند و به سرعت منافع مادی ملموسی را برای مردم و نخبگان حاکم به همراه دارند (مثلاً اشتغال‌زایی، بهبود حمل‌ونقل و دسترسی به انرژی). پروژه‌های زیرساختی در مقیاس بزرگ، مانند راه‌آهن استاندارد گیج در کنیا، راه‌آهن آدیس آبابا-جیوتی در اتیوپی، و جاده‌ها و سدهای متعدد در سراسر قاره، اغلب توسط نهادهای چینی تأمین مالی و ساخته می‌شوند (Brautigam, 2009: 91-97). در همین راستا، می‌توان به اختصاص ۶۰۰ میلیون دلار برای ساخت بزرگراه نایروبی از سوی چین در کنیا اشاره کرد^۵ و نکته مهم آن در این است که مالکیت آن پس از ۳۰ سال به کنیا باز می‌گردد.

1. CCGTN: China Global Television Network Africa
2. Xinhua
3. StarTimes
4. Smart Power
5. build-operate-transfer

این پروژه بخشی از وام‌های کلان چین است که بدهی کنیا را به ۶۹٪ تولید ناخالص داخلی آن کشور رسانده است، اما در مقابل جایگاه کشور چین را در نقش یک شریک اصلی زیرساختی برای این کشور تثبیت کرده است (Chatam House, 2023, Jan 18). طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳، چینی‌ها ۴۴ میلیارد دلار در زیرساخت‌های کشورهای آفریقایی سرمایه‌گذاری کرده‌اند که از این مبلغ ۳۶ میلیارد دلار مربوط به بخش انرژی و ۱۸ میلیارد دلار آن مربوط به بخش معادن بوده است. این سرمایه‌گذاری‌ها به همان میزان که رونق و توسعه اقتصادی را برای کشورهای آفریقایی به همراه دارند باعث نفوذ روزافزون چین در کشورهای مختلف قاره آفریقا نیز می‌شود (Observer Research Foundation, 2021, Aug 25).

مثال دیگر در این راستا، احداث پلی استراتژیک بر روی رودخانه روفیلو^۱ در تانزانیا توسط شرکت مترو چینی است که نه تنها تجارت را تسهیل می‌کند، بلکه از طریق بازنمایی قدرت چین در شرق آفریقا، اهمیت نظامی پیدا می‌کند. این پروژه بخشی از الگوی چین است که در قالب انجام پروژه‌های زیرساختی، سپس تمرینات نظامی مشترک با تانزانیا و همسایگانش مانند موزامبیک صورت می‌گیرد (Operational Environment, 2025, Apr 25). این فعالیت‌ها هژمونی را از طریق وابستگی متقابل ترویج می‌کنند و برای چین امکان دسترسی به منابع و پایگاه‌های تجاری را فراهم می‌سازد.

از دیگر شاخصه‌های کنشگری چین در آفریقا می‌توان به حوزه نظامی اشاره کرد. در این زمینه، چین نفوذ نظامی خود را با پوشش اقتصادی گسترش می‌دهد. این نفوذ از فروش تسلیحات تا ایجاد پایگاه‌های نظامی دنبال می‌شود. به عنوان نمونه در سال ۲۰۲۵، چین اقدام به فروش هواپیماهای نظامی^۲ به نامیبیا کرد که اولین فروش خارجی این نوع هواپیما بوده است. موزامبیک، زامبیا و زیمباوه بیش از ۹۰٪ تسلیحات خود را از چین تأمین می‌کنند. در همین راستا می‌توان به تمرینات مشترک نظامی سنگال و تانزانیا با چین اشاره کرد (Africa Centre, 2025, Jun 10). چین بزرگ‌ترین مشارکت‌کننده دائم شورای امنیت سازمان ملل در مأموریت‌های آفریقایی با بیش از ۲۰۰۰ نیرو در ۲۰۲۴ است. این اقدام، نه تنها تصویری با قامت و جایگاه قدرت مسئول برای چین به نمایش می‌گذارد، بلکه بطور همزمان تجربه نظامی را نیز برای این کشور به ارمغان می‌آورد (Congress.gov, 2025, Jan 31).

سرمایه‌گذاری چینی‌ها در پروژه‌های عمرانی ضمن رفع نیازهای توسعه، وابستگی اقتصادی و رضایت عمومی را ایجاد می‌کند. ابتکار کمربند-راه نمونه‌ای از این راهبرد است که نه تنها توسعه زیرساخت، بلکه یک طرح ژئوپلیتیکی برای همسویی سیاسی و اقتصادی کشورهای آفریقایی با چین محسوب می‌شود. این کشور از طریق گفتمان "جامعه با سرنوشت مشترک" در پی ارائه جایگزینی برای نظم لیبرال غربی است. (ابوالفضلی، ۱۳۹۹: ۷۵-۹۲). بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲، چین ۱۵۳ میلیارد دلار وام به دولت‌ها و شرکت‌های دولتی آفریقایی اعطا کرد. این کمک‌های مالی، با وجود ایجاد وابستگی، رضایت کشورهای آفریقایی را جلب کرده و «مدل چین» را به عنوان جایگزینی برای «اجماع واشنگتن» معرفی می‌کند. این مدل برای رهبران آفریقایی که به دنبال توسعه بدون شرط‌های سیاسی هستند، جذاب است. (Taylor, 2006: 166).

1. Ruffji

2. Y-9E

۳-۳. قدرت نرم و رهبری ایدئولوژیک

چین علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در قدرت نرم انجام داده است. این شامل اعطای بورسیه به دانشجویان آفریقایی، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مقامات و روزنامه‌نگاران آفریقایی، و توسعه فعالیت‌های رسانه‌ای در آفریقا شده است. رسانه‌های چینی اکنون با ارائه بسته‌های محتوایی مقرون‌به‌صرفه، به بازیگران اصلی بازار تلویزیون دیجیتال آفریقا تبدیل شده‌اند. این ابتکارات دیدگاه‌های چینی را ترویج می‌کنند و درکی را شکل می‌دهند که اگرچه کاملاً مورد پذیرش آفریقایی‌ها نیست، بر اساس منطق و جهان‌بینی چین است. گسترش زبان و فرهنگ از طریق ده‌ها مؤسسه و کلاس کنفوسیوس در آفریقا، به این رهبری فکری کمک می‌کند. هدف اصلی تأثیرگذاری بر تفکر و ارزش‌های مردم آفریقا است تا نفوذ چین به شکلی طبیعی‌تر پذیرفته شود (Shambaugh, 2015: 99-107).

یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم چین، افزایش چشمگیر تعداد بورسیه‌های تحصیلی برای دانشجویان آفریقایی است. این دانشجویان پس از بازگشت به کشورهايشان، اغلب به عنوان سفیران غیررسمی فرهنگ و دیدگاه‌های چین عمل می‌کنند. از سوی دیگر گسترش شبکه جهانی تلویزیونی چین در سراسر آفریقا، به این کشور امکان داده تا روایت خود را از رویدادهای جهانی و روابط چین و آفریقا به طور مستقیم به مخاطبان آفریقایی ارائه دهد و با روایت رسانه‌های غربی مقابله کند (الوند و عسگرخانی، ۱۳۹۷: ۱۱۹-۱۵۰).

نیویورک تایمز در مقاله‌ای به افزایش بورسیه‌های چین با بیش از ۲۰ هزار بورسیه سالانه برای آفریقایی‌ها اشاره می‌کند و آن را بخشی از استراتژی حزب کمونیست چین برای آموزش رهبران آینده آفریقا توصیف می‌کند. این گزارش بیان می‌دارد که افزایش بورسیه‌ها از ۱۵۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ به ۸۱۰۰۰ نفر در سال ۲۰۲۳، دانشجویان را به سفیران فرهنگی تبدیل می‌کند و ارزش‌هایی مانند همبستگی جنوب-جنوب را در راستای اهداف چین ترویج می‌دهد (New York Times, 2025, Sept 28). فرنچ از بعدی دیگر به قدرت نرم چین پرداخته و در این راستا به طور مشخص به نقش مهاجران چینی در آفریقا و تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حضور آن‌ها می‌پردازد. وی استدلال می‌کند که نفوذ چین تنها از طریق پروژه‌های دولتی و سرمایه‌گذاری‌های کلان نیست، بلکه از طریق حضور انسانی و اجتماعی صدها هزار شهروند چینی در بطن جوامع آفریقایی نیز در حال گسترش است (French, 2014). این حضور به شکل‌گیری «رضایت» و تغییر بافت جامعه مدنی کمک می‌کند که یکی از پایه‌های اصلی هژمونی گرامشایی است.

۳-۴. هم‌راستاسازی نخبگان و تعامل در سطح دولتی

سیاست خارجی چین اولویت را به روابط دولت با دولت و تعامل با نخبگان حاکم می‌دهد (Alden, 2014: 26). چین با ارائه حمایت سیاسی در مجامع بین‌المللی و کمک‌های اقتصادی بدون شروط حقوق بشری به کشورهای آفریقایی، اتحادهای خود را با آن‌ها تقویت می‌کند. این رویکرد باعث نزدیکی دولت‌های آفریقایی به چین شده و به گفته برخی پژوهشگران، ممکن است ناخواسته از رژیم‌های حاکم حمایت کند و مدل حکمرانی دولت‌محور مشابه چین را در آفریقا ترویج نماید. (Nathan, 2016: 37-46).

در همین راستا برخی دیگر از پژوهش‌گران بر این عقیده هستند که راهبرد چین شامل پرورش سیستماتیک روابط شخصی و بلندمدت با نخبگان سیاسی و نظامی آفریقا از طریق برنامه‌های آموزشی اختصاصی، کارگاه‌ها و سفرهای تماماً پرداخت‌شده به چین است. این امر موجب تقویت یک آشنایی عمیق و همسویی بالقوه با دیدگاه‌های چین می‌شود (غفاری نیا، ۱۴۰۰: ۱۹۷-۲۱۴). از سوی دیگر آنچه که دیپلماسی اقتصادی چین را برای نخبگان آفریقایی و دولت مردان آن قاره جذاب کرده است این است که دیپلماسی اقتصادی چین در آفریقا بر اصل «عدم مداخله» و ارائه کمک‌ها و وام‌های «بدون شروط سیاسی» استوار است. این رویکرد در تضاد با کمک‌های غربی قرار دارد که اغلب با شروطی مانند رعایت حقوق بشر یا اصلاحات دموکراتیک همراه است (دلآوری، التیامی نیا و باقری دولت آبادی، ۱۴۰۳: ۲۱۳-۲۵۴).

باز در همین راستا می‌توان از مجمع همکاری چین و آفریقا نام برد که به مهم‌ترین نهاد برای پیشبرد روابط چین با این قاره تبدیل شده است. چین از طریق این مجمع، بسته‌های کمک مالی، وام‌های ترجیحی و پروژه‌های زیرساختی را به صورت دوره‌ای اعلام می‌کند که این امر به نهادینه‌سازی و پیش‌بینی‌پذیر کردن روابط کمک کرده است (بخشی، ۱۳۹۳: ۹۹-۱۳۶). چینی‌ها برای تثبیت حضور و گسترش نفوذ خود در آفریقا، از شبکه‌سازی‌های رسمی و غیررسمی استفاده می‌کنند. این اقدامات بخشی از قدرت نرم چین محسوب شده و به آن‌ها امکان می‌دهد در صورت مواجهه با محدودیت‌های بین‌المللی، با تکیه بر روابط غیررسمی، فعالیت‌های اقتصادی خود را ادامه دهند. (Benabdallah, 2020:231).

نتیجه و برآمد رویکرد تعامل استراتژیک نخبگان آفریقایی مانند رهبران سیاسی، تجاری و نظامی با چین اغلب از طریق پلتفرم‌هایی مانند مجمع همکاری آفریقا و چین و ابتکار راه ابریشم^۱ پیش می‌رود و نتایج چندلایه‌ای از مزایای اقتصادی گرفته تا چالش‌های وابستگی را در بر می‌گیرد. از جمله برآمدهای این تعامل، مزیت‌های اقتصادی و توسعه‌ای است. نخبگان آفریقایی با بهره‌گیری از مدل چینی بدون شرط‌های غربی، رشد اقتصادی را افزایش داده‌اند. این تعامل، دسترسی به سرمایه و فناوری را فراهم کرده و آفریقا را به شریک کلیدی چین تبدیل نموده است. تجارت دوجانبه طرفین با تمرکز روی صادرات آفریقایی مانند منابع معدنی، به بیش از ۲۸۰ میلیارد دلار رسیده است. نخبگان از طریق مجمع همکاری آفریقا و چین برای مذاکره و دست‌یابی به شرایط بهتر استفاده می‌کنند. در واقع، چین به تعامل فعال آفریقا واکنش نشان می‌دهد. ساختار جدید روابط، منعکس‌کننده تقاضا است، نه صدقه. در واقع همکاری متقابل طرفین، این گونه تصور می‌شود که این امر مسیر روشنی را برای نخبگان آفریقایی باز می‌کند تا ارتقاءهای استراتژیک را به نتایج اقتصادی واقعی تبدیل کنند (The diplomat, 2025, Jul 14).

۳-۵. جنگ روایت‌ها و پاد-هژمونی

چین با شرکت در «جنگ روایت‌ها» در تلاش است تا درک جهانیان، به ویژه آفریقایی‌ها، از نقش خود را شکل دهد. این کشور با تبلیغ دستاوردهایش در توسعه آفریقا، تصویر مثبتی ارائه داده و همزمان با

برجسته کردن سابقه استعماری غرب و تأکید بر اصولی مانند «احترام متقابل»، خود را از قدرت‌های استعماری گذشته متمایز می‌کند (The European Centre of Excellence for Countering Hybrid Threats, 2025: 17-23). طبق تحلیل‌های ارائه شده توسط نشریه اقتصاد سیاسی آفریقایی^۱، در سال ۲۰۲۴، چین با هدف ایجاد "هژمونی متقابل" در حال به چالش کشیدن روایت غربی توسعه و حکمرانی است. این کشور با ترویج نقش خود در توسعه آفریقا و انتقاد از سابقه استعماری غرب، در حال تقویت جایگاه خود است. این رویکرد حتی اتحادیه اروپا را نگران کرده، چرا که کمک‌های بدون پیش‌شرط چین را تهدیدی برای ارزش‌های دموکراسی و حقوق بشر می‌داند که اروپا طی دهه‌ها در آفریقا ترویج داده است. (صالحی، ابراهیمی و محمدی نسب، ۱۴۰۳: ۲۱۱-۲۳۶).

در راستای رقابت با نفوذ روز افزون چین، کشورهای غربی با پشتتازی آمریکا و نقش آفرینی انگلیس و فرانسه با سرمایه‌گذاری و اقدامات سیاسی و فرهنگی وارد عمل شده‌اند که موارد پیش رو از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته توسط آن‌هاست. این کشورها از طریق ابتکارهایی مانند «آفریقای آباد»^۲ که به صورت ویژه توسط ایالات متحده طراحی و اجرا می‌شود و «شراکت برای زیرساخت جهانی و سرمایه‌گذاری»^۳، که ایده‌ای مشترک بین کشورهای گروه هفت می‌باشد سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آفریقایی را افزایش داده تا به رقابت با ابتکار یک کمر بند و یک راه چین پردازد. آمریکا با تحریم‌های غیرمستقیم مانند ایجاد محدودیت برای صادرات فناوری به شرکت‌های چینی در آفریقا و حمایت از اتحادیه آفریقا، به محدود کردن نفوذ چین در معادن مانند معدن کبالت کنگو می‌پردازد. در این زمینه می‌توان به رقابت بر سر بندر لامو در کنیا اشاره کرد که آمریکا در قالب برنامه شراکت برای زیرساخت جهانی و سرمایه‌گذاری، ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۵ سرمایه‌گذاری کرد (Brookings, 2022, Sept 29).

کابینه نخست دونالد ترامپ طرح «آفریقای آباد» را که برنامه‌ای برای گسترش سرمایه‌گذاری و تجارت آمریکا-آفریقا است، با هدف مقابله با نفوذ اقتصادی جمهوری خلق چین در آفریقا بنیان‌گذاری کرد (congress.gov, 2025, Jan 31). «ذیل راهبرد جدید «آفریقای آباد» ایالات متحده شراکت در آفریقا را با دقت بیشتر انتخاب خواهد کرد و رهبران آفریقایی را به سوی انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری خارجی که پایدار، دربرگیرنده، شفاف و با کیفیت باشند، تشویق می‌کند» (Radio Free Europe/Radio Liber-ty, 2018, Dec 14). «در ژوئن ۲۰۲۲، گروه هفت آغاز برنامه موسوم به «شراکت برای سرمایه‌گذاری و زیرساخت جهانی» را اعلام کرد. هدف این برنامه فراهم آوردن ۶۰۰ میلیارد دلار برای اقتصادهای ضعیف و متوسط می‌باشد» (GATE center, 2025, Aug 28). آن طور که در یکی از گزارش‌های مؤسسه بروکینگز آمده است؛ «رهبران گروه هفت انگیزه ثانویه شان را پنهان نمی‌کنند که در واقع کسب دوباره بخشی از نفوذی است که دموکراسی‌های پیش‌رو طی یک دهه به خاطر سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های آفریقا در قالب طرح یک کمر بند و یک راه به چین واگذار کردند» (Brookings, 2022 Sept 29).

1. Review of African Political Economy (ROAPE)
2. Prosper Africa
3. Partnership for Global Infrastructure and Investment (PGII)

۳-۶. اجبار ظریف (فشار نامحسوس) و دیپلماسی بدهی

در حالی که چین بر شراکت تأکید دارد، نگرانی‌ها در مورد «دیپلماسی تله بدهی» همچنان باقی است (Brautigam, 2020: 1-14). حجم عظیم بدهی آفریقا به طلبکاران چینی - اگرچه تنها حدود ۱۲ درصد از بدهی خارجی عمومی آفریقا را تشکیل می‌دهد، به پکن اهرم فشار بالقوه‌ای می‌دهد. در حالی که اجبار آشکار نادر است، امکان تأثیرگذاری چنین اهرم فشاری بر تصمیمات سیاسی یا تضمین دسترسی به دارایی‌های استراتژیک، به عنوان یک پس‌زمینه اجباری ظریف عمل می‌کند (Kratz, Feng & Wright: 2019). این پتانسیل فشار، حتی اگر همیشه استفاده نشود، به عنوان یک «پس‌زمینه اجباری ظریف» عمل می‌کند. عدم شفافیت برخی قراردادهای وام ارزیابی این پویایی‌های قدرت را پیچیده‌تر می‌کند. همچنین، شفاف نبودن بعضی از قراردادهای وام چین، ارزیابی دقیق این پویایی‌های قدرت را دشوارتر می‌کند (Gelpert et al, 2021:345-416).

چین با ترکیب کمک‌های اقتصادی جذاب و تلاش‌های فرهنگی، در حال ایجاد هژمونی در آفریقا است. این نفوذ مبتنی بر جلب رضایت از طریق منافع مادی و همسویی ایدئولوژیک ظاهری است، در حالی که اهرم فشار اقتصادی نیز در پس‌زمینه وجود دارد. مطابق دیدگاه گرامشی، چین با روابط نزدیک با دولت‌ها، کنترل روایت‌ها و وابستگی اقتصادی، نفوذ خود را تقویت می‌کند. این روش‌ها ترکیبی از رضایت‌آفرینی و فشار نامحسوس برای ساخت هژمونی هستند. زامبیا با بدهی ۳۴ میلیارد دلاری به چین، عمدتاً ناشی از پروژه‌های طرح کمر بند و راه شامل سد، راه آهن و فرودگاه، نمونه‌ای از اتهامات غرب درباره "تله بدهی" چین است. در مقابل این بدهی‌ها، چین دسترسی به معادن مس، طلا و منگنز زامبیا را تضمین کرده که نگرانی‌ها درباره اهداف سیاسی-اقتصادی پکن در آفریقا را تقویت می‌کند. (Chatam House, 2023, 18 Jan). در جیوتی نیز وضع بر همین منوال است چین بیش از نیمی از بدهی خارجی ۲/۶ میلیارد دلاری این کشور را در اختیار دارد. پروژه ۳/۵ میلیارد دلاری منطقه تجارت آزاد بین‌المللی جیوتی که چین آن را به عنوان مدل همکاری چین-آفریقا تبلیغ می‌کند بر بار این کشور آفریقایی خواهد افزود (congress.gov, 2025, 31 Jan).

۳-۷. واکنش آفریقایی‌ها در مواجهه با هژمونی سازی چین

تحلیل از دیدگاه گرامشی باید عاملیت کنشگران آفریقایی را نیز در نظر بگیرد. نخبگان آفریقایی به طور استراتژیک با چین تعامل می‌کنند تا دستاوردهای توسعه‌ای را به حداکثر برسانند و شرکای خود را متنوع کنند (Mohan, G., & Lampert, 2013: 92-110). نمونه این امر، تلاش پل کاگامه از رواندا برای جذب سرمایه‌گذاری چین با حفظ استقلال در سیاست‌گذاری است (Obiorah, 2007: 75-91). با این حال، میزان درونی‌سازی و ترویج یک اجماع طرفدار چین توسط نخبگان متفاوت است. پاسخ جامعه مدنی و روشنفکران آفریقایی پیچیده‌تر و اغلب نقادانه‌تر است. نگرانی‌هایی در مورد شیوه‌های کاری، تخریب محیط زیست، عدم شفافیت و پتانسیل استعمار نو مطرح شده است.

برای مثال، سازمان‌های جامعه مدنی در کنیا جنبه‌هایی از پروژه راه آهن استاندارد گیج را به چالش

کشیده‌اند. واکنش روشنفکران متنوع است؛ برخی از روابط با چین حمایت می‌کنند و برخی دیگر نسبت به وابستگی‌های جدید هشدار می‌دهند (Manyeruke & Abegunrin, 2020). توانایی جامعه مدنی و روشنفکران برای صورت‌بندی روایت‌های متقابل و مطالبه پاسخگویی، در شکل‌دهی به محدودیت‌های هژمونی احتمالی چین حیاتی است. این جنگ موضعی در بستر روابط چین و آفریقا می‌تواند شامل روزنامه‌نگاری تحقیقی، حمایت‌گری اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های زیست‌محیطی، تحقیقات آکادمیک نقادانه، پافشاری بر ارزش‌های آفریقایی و توسعه سیاست‌های محتوای محلی، و ابتکارات پان‌آفریقایی مانند دستور کار ۲۰۶۳ اتحادیه آفریقا باشد (Mohan & Lampert, 2013: 92-110). در تحلیل نفوذ چین در آفریقا، نباید فقط به اقدامات چین توجه کرد، بلکه باید دید که خود کنشگران آفریقایی (مثل دولت‌ها، نخبگان، مردم عادی، فعالان مدنی و روشنفکران) چه نقشی دارند و چگونه به این نفوذ پاسخ می‌دهند. آن‌ها صرفاً پذیرنده نیستند، بلکه عاملیت دارند؛ یعنی توانایی دارند که فکر کنند، تصمیم بگیرند و به نوبه خود بر وضعیت تأثیر بگذارند.

۳-۸. جنگ موضعی

گرامشی معتقد بود هژمونی هیچ‌گاه کامل نیست و همواره با مقاومت روبرو می‌شود. این مقاومت لزوماً به شکل درگیری مستقیم («جنگ مانوری») نیست، بلکه اغلب به صورت «جنگ موضعی» - مبارزه‌ای طولانی‌مدت در جامعه مدنی برای تغییر ایده‌ها و باورهای غالب و ایجاد اجماع جدید - ظهور می‌کند. (Gramsci, 1971:352). در بستر روابط چین و آفریقا، این «جنگ موضعی» ممکن است شامل موارد زیر باشد:

۳-۸-۱. روزنامه‌نگاری تحقیقی آفریقایی، مانند آنچه توسط سازمان‌هایی مانند «شبکه آفریقایی مراکز روزنامه‌نگاری تحقیقی»^۱، که پروژه‌های چینی، قراردادهای وام و تأثیرات محلی آن‌ها را به دقت بررسی می‌کند. خبرنگاران و رسانه‌های مستقل آفریقایی (مانند نمونه‌های ذکر شده) با بررسی دقیق و نقادانه پروژه‌ها، قراردادهای وام، و تأثیر واقعی فعالیت‌های چین در آفریقا، سعی می‌کنند واقعیت‌ها را روشن کرده و روایت رسمی و غالباً مثبت چین را به چالش بکشند. این کار به تغییر درک عمومی مردم و نخبگان کمک می‌کند (Wekesa, 2017: 11-24).

۳-۸-۲. سازمان‌های مدنی مانند اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های زیست‌محیطی در آفریقا برای بهبود استانداردهای کاری، حفاظت از محیط زیست و مشورت با جوامع محلی در شرکت‌ها و پروژه‌های چینی فعالیت می‌کنند. این تلاش‌ها نشان‌دهنده مقاومت در برابر تأثیرات منفی احتمالی چین است (Lee, 2017: 150).

۳-۸-۳. تحقیقات دانشگاهی و مراکز فکری آفریقا با ارائه تحلیل‌های عمیق، درکی پیچیده‌تر از تعامل چین ارائه می‌دهند که فراتر از روایت‌های ساده‌انگارانه خیرخواهی یا استثمار محض است. این رویکرد به شکل‌گیری دیدگاه‌های دقیق‌تر در میان نخبگان و عموم کمک می‌کند (Soulé, 2020: 321-340).

1. ANCIR: African Network of Centers for Investigative Reporting

۳-۸-۴. پافشاری بر ارزش‌های فرهنگی و سیاسی آفریقایی در مذاکرات با چین و اجرای سیاست‌های محتوای محلی برای تضمین مشارکت بازیگران بومی در پروژه‌ها، به منظور افزایش منافع اقتصادی قاره، که این اقدامات نشان‌دهنده تلاش آفریقا برای تعیین شرایط همکاری است (Africa Union, 2015, Apr 15)

۳-۸-۵. ابتکارات پان‌آفریقایی مانند دستور کار ۲۰۶۳ اتحادیه آفریقا، چشم‌انداز توسعه قاره را ترسیم می‌کنند و چارچوب‌هایی برای تعامل با شرکای خارجی از جمله چین ارائه می‌دهند تا منافع آفریقا تأمین شود. این رویکرد نشان‌دهنده تلاش آفریقا برای رهبری فعال در روابط خارجی است (Africa Union, 2013, Jun 10)

۳-۹. نقش نخبگان آفریقایی

نخبگان آفریقایی در تعامل با چین منفعل نبوده و هوشمندانه عمل می‌کنند. هدف آن‌ها بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری‌های چین برای توسعه کشور، تنوع‌بخشی به شرکای بین‌المللی و تقویت جایگاه سیاسی خود است. از دیدگاه گرامشی، این کنشگران آفریقایی عاملیت فعال داشته و صرفاً دریافت‌کنندگان منفعل تأثیرات چین نیستند (Mohan & Lampert, 2013: 92-110). رهبرانی همچون پل کاکامه رواندا با حفظ استقلال در سیاست‌گذاری، جذب سرمایه‌گذاری چین را دنبال می‌کنند. میزان تأثیرپذیری نخبگان از دیدگاه‌های چینی و تبدیل آنان به مروچین این ایده‌ها در کشورهای آفریقایی متفاوت است و به شرایط داخلی هر کشور بستگی دارد. درونی‌سازی و ترویج اجماع طرفدار چین توسط این نخبگان می‌تواند به شکل‌گیری «روشنفکران ارگانیک» بینجامد، اما شدت آن در سراسر قاره متغیر و وابسته به بسترهای محلی است. (Brautigam, 2009:145).

۳-۱۰. نقش جامعه مدنی و روشنفکران آفریقایی

واکنش جامعه مدنی و روشنفکران آفریقا به نفوذ چین عمدتاً انتقادی و متنوع است. برخی گروه‌ها از سرمایه‌گذاری‌ها و توسعه همراه آن استقبال می‌کنند، اما دیگران نگران شیوه‌های کاری شرکت‌های چینی، تخریب محیط زیست، عدم شفافیت قراردادهای و الگوهای استعمار نو هستند. روشنفکران نیز دیدگاه‌های متفاوتی دارند، از حمایت از روابط چین و آفریقا برای توسعه سریع و نظم چندقطبی تا ابراز نگرانی‌های مشابه. روشنفکران آفریقایی دیدگاه‌های متفاوتی درباره روابط با چین دارند: برخی آن را فرصتی برای توسعه و چندقطبی شدن جهان می‌دانند، در حالی که دیگران نسبت به ایجاد وابستگی‌های جدید و تهدید هنجارهای دموکراتیک هشدار می‌دهند. نقش جامعه مدنی در شکل‌دهی به محدودیت‌های هژمونی چین از طریق روایت‌های متقابل حیاتی است (Lee, 2017:117-143)

هژمونی احتمالی چین در آفریقا پدیده‌ای یک‌طرفه نیست و کنشگران آفریقایی از طریق فعالیت‌های مدنی، رسانه‌ای و سیاسی در حال شکل‌دهی به این نفوذ هستند. این مبارزه به‌عنوان «جنگ موضعی» با هدف تغییر آگاهی عمومی و ایجاد فضایی برای طرح منافع آفریقا عمل می‌کند. جامعه مدنی و روشنفکران آفریقایی با ارائه روایت‌های متقابل و مطالبه شفافیت از دولت‌ها و چین، نقش کلیدی در تعیین محدودیت‌های نفوذ چین ایفا می‌کنند. مقاومت و تلاش برای پاسخگویی می‌تواند از سلطه بی‌قیدوشرط چین جلوگیری کرده و ماهیت روابط را متعادل سازد.

نتیجه‌گیری

چین با روش‌هایی غیر از سلطه مستقیم، در حال ایجاد نوعی هژمونی در آفریقا است که بر سه محور استوار است: جلب رضایت از طریق شعارهای جذاب مانند «جامعه‌ای با آینده مشترک»، همسو کردن ایدئولوژیک، و ایجاد وابستگی اقتصادی. این رویکرد موجب همراهی برخی نخبگان آفریقایی شده، اما روابط پیچیده و یک‌طرفه نیست. عواملی وجود دارند که جلوی سلطه کامل چین را می‌گیرند یا آن را محدود می‌کنند. این عوامل شامل موارد زیر هستند: عاملیت آفریقایی‌ها: مردم و دولت‌های آفریقا منفعل نیستند و تلاش می‌کنند تا خودشان تصمیم‌گیرنده باشند و منافع خود را پیگیری کنند؛ صداهای نقاد: منتقدانی در جامعه مدنی و دانشگاه‌های آفریقا وجود دارند که سیاست‌ها و اقدامات چین را نقد می‌کنند و مشکلات آن را بیان می‌کنند؛ پیچیدگی‌ها و ریسک‌های وابستگی: تکیه بیش از حد اقتصادی به یک کشور خارجی، حتی اگر آن کشور چین باشد، ذاتاً پیچیدگی‌ها و خطرات خاص خود را دارد که آفریقایی‌ها از آن آگاهند و در نهایت تحولات جهانی: تغییرات در صحنه بین‌المللی نیز بر این رابطه تأثیر می‌گذارد.

گروه مسلط با رواج ایده‌ها و ارزش‌های خود به عنوان «وضعیت طبیعی»، رضایت خودجوش دیگران را جلب می‌کند. این هژمونی نه با زور، بلکه از طریق همسوسازی منافع و ایجاد ایدئولوژی ارگانیک محقق می‌شود. آینده روابط چین و آفریقا به عواملی مانند میزان موفقیت چین در حفظ رضایت آفریقایی‌ها و توانایی کشورهای آفریقایی در مدیریت این رابطه برای ایجاد دیدگاه‌های مستقل («پاد-هژمونی») بستگی دارد. هژمونی همواره در حال چالش است و پژوهش‌های آینده باید بر تنوع واکنش‌های آفریقایی و نقش روشنفکران در شکل‌دهی به گفتمان مربوط به چین متمرکز شوند.

منابع

- ابوالفضل، سیدعارف (۱۳۹۹)، تعاملات چین با قاره آفریقا در پرتو ابتکار یک کمربند- یک جاده. پژوهش ملل، ۵۳، ۷۵-۹۲
- الوند، مرضیه سادات (۱۴۰۳)، دیپلماسی اقتصادی و مصون‌سازی راهبردی چین در منا. دو فصلنامه دانش سیاسی، ۱ (۴۱)، ۲۳-۴۸
- امیری، مهدی (۱۴۰۳)، جایگاه اقتصاد در سیاست خارجی نرم افزاری چین در مناطق درحال توسعه، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، پاییز، سال ۱۶، شماره ۴۹، ۳-۷.
- بخشی، احمد (۱۳۹۳)، بررسی سیاست‌ها، راهبردها و اهداف چین در قاره آفریقا. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۰ (۳۴)، ۹۹-۱۳۶.
- دلاوری خوب، عادل. التیامی نیا، رضا و باقری دولت آبادی، علی (۱۴۰۳)، دیپلماسی اقتصادی چین در آفریقا: امپریالیسم اقتصادی یا مشارکت سودمند متقابل؟. تعاملات دیپلماتیک، ۲ (۵)، ۲۱۳-۲۵۴.
- صالحی، مختار؛ ابراهیمی، راضیه و محمدی نسب، مرضیه (۱۴۰۳)، دوگانگی راهبردی اتحادیه اروپا نسبت به حضور چین در آفریقا. دو فصل نامه دانش سیاسی، ۱ (۴۱)، ۲۱۱-۲۳۶.

- سازماند، بهاره و درستکار، زهرا (۱۴۰۱)، راهبرد قدرت هوشمند چین در آفریقا. فصل نامه روابط خارجی، ۵۴، ۱۶۵-۱۹۳.
- شفیع، نوذر و سلیمی، رویا (۱۴۰۳)، بررسی مقایسه‌ای دیدگاه ایران و چین درباره نظم بین‌المللی لیبرال و تأثیر آن بر روابط دو کشور، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، زمستان، سال ۱۶، شماره ۴، ۷۳-۵۱.
- عسگرخانی، ابومحمد و الوند، مرضیه (۱۳۹۷)، قدرت نرم چین در آفریقا؛ تحلیلی فراسوی مفهوم سازی نای. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۳۴، ۱۱۹-۱۵۰.
- غفاری نیا، میثم (۱۴۰۰)، استراتژی توسعه نفوذ چین در آفریقا (۱۹۹۳-۲۰۲۱). فصلنامه نگاه ایرانی به امور خارجی (ایرفا) ۱۳ (۳۵)، ۱۹۷-۲۱۸.

References

- Abulfazli, Seyed Arif (2020), China's interactions with the African continent in the context of the Belt and Road Initiative. *International Journal of Nations Research*, 53, 75-92 [in Persian]
- Adem, S. (2010), «The paradox of China's policy in Africa», *African and Asian Studies*, 9, 3: 219-239.
- Africa Centre for Strategic Studies (2025), *Africa as a Testing Ground for China's Global Security Initiative*
- Africa Centre for Strategic Studies (2025), *China Widening Its Influence in Africa through Expanded Security Engagements*
- African Union. (2015), *Agenda 2063: The Africa We Want*. African Union Commission
- Alden, C., & Davies, M. (2006), «A profile of the operations of Chinese multinationals in Africa», *South African Journal of International Affairs*, 13, 1: 83-96.
- Alden, C., & Wu, Y. (2014), *South Africa and China: The making of a partnership*.
- Alvand, Marzieh Sadat (2024), Economic diplomacy and strategic immunization of China in the MENA region. *Political Knowledge Scientific Journal (Bi-quarterly)*, 1 (41), 23-48. [in Persian]
- Amiri, Mehdi. 2024. The role of the Economy in China's Soft Foreign Policy in the Developing Regions , *Political and International Approaches*, Autumn, Vol 16, No 3, PP 49-72. [in Persian]
- Amnesty International. (2016), "This is what we die for": Human rights abuses in the Democratic Republic of Congo power the global trade in cobalt.
- Arab Ahmadi, Amir Bahram. Samavati, Mehdi (2025), "Investigation of the impact of economic competition between China and the US on South Africa from 2010 to 2023", *Fasl' nāmeḥ-ye siyāsāt (Politics Quarterly)* 55, (1): 153-187
- Asgarkhani, Abu-Mohammad, and Alvand, Marzieh (2018), *China's Soft Power in Africa: An Analysis Beyond Nye's Conceptualization*. *International Political Research Quarterly*, 34, 119-150. [in Persian]
- Bakhshi, Ahmad (2014), *Analyzing China's Policies, Strategies, and Objectives in the African Continent*. *International Quarterly of Geopolitics*, 10(34), 99-136. [in Persian]
- Benabdallah, L. (2020), *Shaping the Future of Power: Knowledge Production and Network-Building in China-Africa Relations*. University of Michigan Press.

- Brautigam, D. (2009), *The dragon's gift: The real story of China in Africa*. Oxford University Press.
- Brautigam, D. (2020), «A critical look at Chinese 'debt-trap diplomacy': The rise of a meme», *Area Development and Policy*, 5, 1: 1-14.
- Brookings. 2022. *Building Bridges? PGII versus BRI*
- Busse, M. Erdogan, C & Muhlen, H. (2014), *China's impact on Africa: The role of trade, FDI and aid*. IEE working paper, vol. 206
- CAMR (China-Africa Monitoring Review) (2024), *Can China Forge a Neo-Gramscian Counter-Hegemony?* [<http://camr.sk>]
- Chatham House (2023), *China Africa relations*
- China Observers (2025), *China's Narrative Warfare in Africa: Influence and Mechanisms*. [<https://chinaobservers.eu/chinas-narrative-warfare-in-africa-influence-and-mechanisms/>]
- Congress.gov (2025), *China and Sub-Saharan Africa*
- Delavari Khoob, A. Eltiami Nia, R. and Bagheri Dolatabadi, A. (2024), *China's Diplomacy in Africa: Economic Imperialism or Mutually Beneficial Partnership? Diplomatic Interactions*, 2(5), 213- 254. [in Persian]
- Duche Welle (DW), 2025. *How China promotes its language and culture in Africa*
- French, H. W. (2014), *China's second continent: How a million migrants are building a new empire in Africa?* Alfred A. Knopf.
- GATEcentre (2025), *New initiatives by the US and the EU in Africa to counter Chinese presence*
- Gelpern, A., Horn, S., Morris, S., Parks, B., & Trebesch, C. (2021), *How China Lends: A Rare Look into 100 Debt Contracts with Foreign Governments*.
- Ghafari Nia, Meysam (2021), *China's Strategy for Expanding Influence in Africa (1993-2021)*, *Iranian Review of Foreign Affairs (IRFA)*, 13(35), 197-218. [in Persian]
- Gramsci, A. (1971), *Selections from the prison notebooks*, (Q. Hoare & G. Nowell Smith, Eds. & Trans.). Lawrence & Wishart.
- Hybrid CoE (The European Centre of Excellence for Countering Hybrid Threats). (2025), *Strings attached: China's narrative influence in Sub-Saharan Africa*. https://www.hybrid-coe.fi/wp-content/uploads/2025/01/web_Hybrid_CoE_Research_Report_29012025.pdf
- Kratz, A., Feng, A., & Wright, L. (2019), *New data on the "debt trap" question*. Rhodium Group.
- Large, D. (2021), *China and Africa: The New Era*. Polity Press.
- Lee, C. K. (2017), *The Specter of Global China: Politics, Labor, and Foreign Investment in Africa*. University of Chicago Press.
- Manyeruke, C. Abegunrin, O. (2020), «China's power in Africa», *Palgrave Macmillan*
- Mohan, G., & Lampert, B. (2013), «Negotiating China: Reinserting African agency into China-Africa relations», *African Affairs*, 112, 446: 92-110.
- Nathan, A. J. (2016), «China's Challenge», *Journal of Democracy*, 27, 4: 37-46.
- *New York Times* (2025). *China's Quiet Win: Outmaneuvering U.S. for Africa's Future Leaders*
- Obiorah, N. (2007), «Rise and rights in China-Africa relations», *SAIS Review of International Affairs*, 27, 2: 75-91.
- Observer Research Foundation (ORF) (2021), *The Role of Trade, Investments, and Loans Amidst Shifting Geopolitical Ambitions*

- Operational Environment (2025), China Expands Its Influence in Africa Through Economic and Security Cooperation
- RFE/RL. 2018. U.S. Sets New Africa Strategy, Condemns ‘Predatory’ Practices of Russia, China
- ROAPE (Review of African Political Economy) (2024), Africa and China: Counter-Hegemonic Narratives - an introduction. <https://roape.net/2024/07/24/africa-multipolarity-and-the-collapsing-white-world-order/>
- Salehi, Mokhtar; Ebrahimi, Razieh; and Mohammadi Nasab, Marzieh (2024), Strategic Duality of the European Union Regarding China’s Presence in Africa. Political Knowledge Scientific Journal (Bi-quarterly), Vol. 1 (41), 211-236. [in Persian]
- Sazmand, B., & Dorostkar, Z. (2022), China’s Smart Power Strategy in Africa. Quarterly Journal of Foreign Relations, 54, 165-193. [in Persian]
- Shafiee, Nozar & Salimi, Roya. 2024. A Comparative Study of Iran and China’s Perspectives on the Liberal International Order and Its Impact on Bilateral Relations, Political and International Approaches, Winter, Vol 16, No 4, 51-73. [in Persian]
- Shambaugh, D. (2015), «China’s soft-power push: The search for respect», Foreign Affairs, 94, 4: 99-107.
- Soulé, F. (2020), “Africa’s Agency in China-Africa Relations: Navigating Dependency and Influence”. Journal of African Studies, 48(3), 321-340.
- Taylor, I. (2006), China and Africa: Engagement and compromise. Routledge.
- The Diplomat (2025), Africa and China: Turning FOCAC’s Strategic Upgrades into Real Outcomes
- Wekesa, B. (2017), New directions in the study of Africa–China media and communications engagements. Journal of African Cultural Studies, 29(1), 11–24.